

# حماس، پیروز جنگ هیبریدی

گروه‌های فلسطینی به تقاطع غیرهم‌زمین کشانده و از صحنه دید غیرمسلح خارج کرد.

اگرچه اقدامات پیشین حماس و دیگر گروه‌های سیاسی مانند جهاداسلامی و غیره، همگی در راستای ضدیت با اشغال بود، لیکن نتیجه جنگ خانمان براندازی که از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، شاهد زنده از آنتی‌تزی رژیم کودک‌کش و سکوت دیگر طرف‌های ذینفع در نسل‌کشی حاضر است. آنتی‌تزی یاد شده، تنها در مقابل گروه حماس نبوده بلکه خسارت‌های زبانباری به روابط و اعتبار این رژیم در میان جوامع جهان بین‌الملل وارد آورده است.

ترمیم این گونه زیان‌ها در سپهر بین‌الملل، گاهی ده‌ها سال به طول خواهد انجامید، لیکن جنگی که در حال حاضر در نوار غزه در جریان است، نتیجه اشتباه محاسباتی در تغییر نامگذاری گروه حماس به گروه تروریستی و انتقال این ساختار سیاسی آشکار، به یک حرکت آزادی‌خواه است. چرخش عظیم در دکتربین مبارزه انتفاضه و میلیتاریسم حاضر حماس، نتیجه آینده‌پژوهی و ترکیب سطوح مبارزه و ارتقای جنگ نسل دوم به نسل پنجم است، به گونه‌ای که گروه حماس با ایجاد تغییرات بنیادین در دستگاه فکری نظامی، اقداماتی را با غایت پیروزی مطلق در دستور کار خود قرار داد. شایان ذکر است که گروه حماس این تغییر نسل در ماهیت جنگ را در مدت زمان کوتاهی به منصف ظهور رساند و توانست با اقدامی پیش‌دستانه (pre-emptive attack) معیارها و شاخص‌های دکتربین‌های نظامی در غرب را کمی جابه‌جا کرده و مرزهای بین حقیقت و واقعیت نظامی را به چالش بکشد.

در اصل ماهیت فعلی حماس در کنار شاخه سیاسی که دارای روابط با دولت‌هایی مانند، روسیه، ایران، مصر، ترکیه، قطر و غیره است، در یک قدرت نظامی اطلاعاتی شبح‌گونه و خاص تعریف می‌شود.

در یک تحلیل تطبیقی میان ماشین جنگی حماس و رژیم

دیالکتیک هگلی، نظام استدلالی خود را مبتنی بر نفی بنا نهاده که براساس آن برآیند دو عنصر: حفظ شرایط موجود (status que) با نقیض خود، منتج به بروز پدیده جدیدی به نام سنتز می‌شود. در واقع دگردیسی در ماهیت سه‌گانه هگلی: تزی، آنتی‌تزی و سنتز، چیزی جز حرکت تاریخ و آنچه مارکسیست‌ها به عنوان پراکسیس (Praxis) از آن یاد می‌کنند نیست. پراکسیس از منظر یک شهروند فلسطینی، ماهیتی جز مقاومت در برابر اشغال نبوده که چیزی جز تداوم اعلام نفی در مقابل اشغال نیست. از زمان سال‌های ۱۹۴۸ و با تأسیس پروژه رژیم اشغالگر قدس و حتی پیش‌تر از آن، همواره حکومت‌های ادواری در سرزمین‌های

اشغالی با کانتیکست (مقاومت) و نفی رویکرد هگلی در مواجهه خرد و کلان با این مقاومت روبه‌رو بوده و هستند، از این منظر با قدرت گرفتن بیشتر حماس و گسترش جبهه‌های مردمی، دکتربین‌های نظامی صهیونیسم نیز دچار دگرگونی در فرایند تاریخ خطی خود شده‌اند. در اصل تغییر این دکتربین‌ها برای ایجاد معادله نفی در برابر آنتی‌تزی حماس بوده است.

ابتدای تأسیس حماس در سال‌های ۱۹۸۷ میلادی تا سال‌های ۲۰۰۶ میلادی که این گروه مقاومت به پیروزی در انتخابات نائل شد، نگاهی خوش‌بینانه به شکل‌گیری یک نیروی سیاسی برای مبارزات سرزمینی در اذهان صورت‌بندی شد، لیکن دگردیسی در ذات مرکزی به طور دقیق در همین نقطه آغاز شد و جایگاه حماس از آنتی‌تزی به تزی تغییر کرده و از منظر سیاست داخلی و حتی کنشگران فرمانطقه‌ای، توان مدیریت نوار غزه و اعمال سیاست داخل و خارج به طور هم‌زمان، جایگاه رژیم در این نظام استدلالی را تغییر داد.

در حقیقت تبدیل یک گروهک به یک نظام سیاسی پارلمانی که منشأ فعالیت خود را مانند تمامی گروه‌ها و احزاب سیاسی از زیرزمین به سطح انتقال داده بود جایگاه اشغالگران را با پرسش‌های زیادی روبه‌رو می‌کرد که نتیجه آن اقدام‌های سیاستگذاران صهیون در راستای حذف هرگونه برتری یا قدرت سیاسی یا ممانعت از شکل‌گیری کانون‌های قدرت، از جمله حماس بود، زیرا حاکمیت بر نوار غزه و برقراری روابط سیاسی با برخی دولت‌های جهان می‌توانست یک رویه سیاسی شکل داده و در نهایت مناقشه سرزمینی فلسطین را در سطحی حداقلی برای حیات یا صاحبان اصلی سرزمین تا زمان تحولات بزرگی که منجر به رویدادهای ژئوپلیتیک شود، تضمین کند.

این جایگاه عزیمت که می‌توان آن را نقطه شکست (breaking point) سیاسی برای یهود صهیونیستی دانست، وفاق سیاسی را که به استمداد حاکمیت فلسطین پیوسته شده بود و روند سیاست خارجی رژیم را به آنتی‌تزی در مقابل حماس مبدل ساخته و در راستای شناخته شدن گروه یاد شده به عنوان گروه تروریستی از جانب برخی نظام‌های سیاسی فرمانطقه‌ای با اهرم فشار لابی‌های یهودی را آغاز کرد.

در اصل، اقدام صهیونیست‌ها با تروریستی نامیدن حماس و اقدامات ایجابی در راستای این مهم از جانب دیگر شرکا و متحدین، حماس سیاسی را از یک تقاطع هم‌زمین با دیگر

## دکتر فرشید باقریان

کارشناس مسائل بین‌الملل

اقدامات پیشین حماس و دیگر گروه‌های سیاسی مانند جهاداسلامی و غیره، همگی در راستای ضدیت با اشغال بود، لیکن نتیجه جنگ خانمان براندازی که از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، شاهد زنده از آنتی‌تزی رژیم کودک‌کش و سکوت دیگر طرف‌های ذینفع در نسل‌کشی حاضر است. آنتی‌تزی یاد شده، تنها در مقابل گروه حماس نبوده بلکه خسارت‌های زبانباری به روابط و اعتبار این رژیم در میان جوامع جهان بین‌الملل وارد آورده است